

تعریف هنر بر اساس سوره مبارکه حمد



محمدجعفر مستشرق^۱، احمدرضا اخوت^۲

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ □ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ □ صفحه ۱۴۸-۱۴۱

Doi: 10.22034/RPH.2024.2026492.1062

چکیده

پژوهش پیش رو در تلاش برای درک مفهوم هنر اسلامی به سراغ مهم‌ترین مرجع اسلامی یعنی قرآن خواهد رفت. برای رجوع به قرآن نیاز است که مفهوم مورد نظر به دقت شناخته شود به همین جهت در این مقاله مفهوم عرفی هنر به وسیله گزاره‌ها و تعاریف علمی موجود که در زمینه هنر و مفهوم آن مطرح می‌شود، استخراج شده و مؤلفه‌های اصلی مفهوم هنر از منظر عرف متخصصان و جامعه هنری شناخته می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از زیبایی، القاکنندگی، هشیارسازی، حرکت و تحول، موضوعات اصلی هنر و... سپس با کمک کتب لغت معادل قرآنی مؤلفه‌های پیداشده استخراج شدند. برای زیبایی واژه حمد و حسن، القا همان واژه، هشیارسازی معادل ذکر، حرکت معادل تفکر و موضوعات معادل مثل‌ها، قصص، آیات و... انتخاب شد. برای درک و تعریف مؤلفه اصلی یعنی حمد به سوره مبارکه حمد مراجعه کرده و بر اساس این سوره هنر و مؤلفه‌های آن را معنی می‌کند. بر این اساس هنر عبارت است از بروز حسن و کمالی که موجب جلب توجه و نظر مخاطب شده، در او ایجاد ذوق تحسین می‌نماید و در اثر آن وی را به کمالی رهنمون ساخته، او را به غایتی از جنس عبودیت و هدایت و دریافت نعمت سوق می‌دهد. این تعریف برگرفته از مفهوم حمد است زیرا ستایش زیبایی تنها در صورت ارتباط با حمد مورد قبول خداوند است. با توجه به این تعریف اگر هنر خلق کمال باشد این وصف تنها متعلق به خداوند است و تنها او شایسته چنین وصفی است و دیگران در این زمینه واسطه نمایان کردن کمال خلق شده توسط خداوند هستند. لذا از این منظر هنرمند در نقش حامد است یعنی کسی است که بروز حسن را درک کرده و خود و دیگران را در معرض تحسین آن قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هنر اسلامی، هنر قرآنی، حمد، حسن

۱. استادیار گروه تلویزیون، دانشکده تولید رادیو و تلویزیون، دانشگاه صدا و سیما، تهران.

Email: mostashregh@iribu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد زیست گیاهی، دانشکده زیست شناسی، پردیس علوم، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: okhovatnoor@yahoo.com



مقدمه

جامعه اسلامی توسط انبیای الهی شکل گرفت و هر یک در جریان مستمر واسطه نزول حقایق در این جامعه شدند و زن و مرد، کودک تا کهنسال و حتی قبل و بعد تولد انسان را به حیاتی طیبه دعوت کردند و نیز موفق به جاری شدن آن گردیدند. ویژگی‌های این حیات پایدار و بابرکت و پررحمت در آخرین کتاب آسمانی به طور مبسوط آمده است و نیز چگونگی تحقق آن و دعوت به آن نیز در این کتاب تبیین شده است. جامعه اسلامی و توحیدی که در قرآن با تعبیر امت از آن یاد شده است روحی دارد که رحمت الهی را به صورت تشدید شده در اختیار انسان قرار می‌دهد و انواعی از زندگی را برای انسان به ارمغان می‌آورد که بسیار رشدآفرین و کمال‌زاست و به هیچ وجه توسط زندگی فردی محقق نمی‌شود. اقامه چنین جامعه‌ای تنها با رو آوردن به صلاح و صالح شدن محقق می‌شود زیرا این وعده خداوند است که در سوره مبارکه انبیاء آیه ۱۰۵ می‌فرماید: *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ* و حقا که ما در هر کتاب آسمانی پس از لوح محفوظ، و در زبور (داود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب‌ها، نوشتیم و مقرر کردیم که همانا (ملکیت و حاکمیت و استفاده تام از برکات) این زمین را بندگان صالح و شایسته من به ارث خواهند برد. توجه به حقایق ذکر شده در قرآن منجر می‌شود تا اولاً وظایف ما در قبال توسعه جامعه دینی بهتر مشخص شود و ثانیاً نظام مسائل و موضوعات در خصوص رفع نیازهای جامعه اسلامی تفصیل یابد.

در بین مسائلی که به صورت جدی باید در مورد آن در جامعه و شهرها اهتمام داشت مسئله هنر است. به‌ویژه اینکه این مسئله در این عصر به عنوان ابزار و سلاح کارآمد به کار گرفته می‌شود. برای به‌کارگیری این سلاح کارآمد لازم است قواعد تولید، استفاده و ارتقای آن را از منبعی و حیانی به دست آورد. پژوهش حاضر در صدد است تا هنرمند را در جهت تولید، استفاده و ارتقای اثر هنری خودیاری کند و ضمن بیان باید‌ها و نبایدها در این راستا آنها را به معیارهایی حقیقی دلالت دهد.

روش تحقیق

از قرآن و رجوع به آن به‌سادگی نمی‌شود گذشت چون کلامی است، که به همه زوایای وجودی انسان واقف است و بدون هیچ بخلی حقایق خود را در اختیار مشتاقان و سائلین قرار می‌دهد. از قرآن و رجوع به آن نمی‌شود به‌آسانی عبور کرد، چون حقیقتی آشکار است و اگر کسی در پی حقایق باشد می‌تواند آن را به‌وضوح درک کند. زبان آن فطری است و به همین دلیل هر انسانی در هر گوشه و کنار در عالم آن را می‌فهمد و با آن ارتباط برقرار می‌کند. با قرآن با بی‌اعتنایی نمی‌شود روبه‌رو شد، زیرا هرآنچه مورد نیاز

انسان است در آن بیان شده است و نیازمندان واقعی اذن یافته‌اند از آن بهره‌مند شوند. به‌رغم همه این توصیفات، آن‌چنان‌که شایسته است به قرآن رجوع نمی‌شود و از آن برای راه‌یابی به مقاصد زندگی بهره کافی برده نمی‌شود. یکی از علت‌های این امر نداشتن روش در مراجعه به قرآن است. برای رجوع روش‌مندانه به قرآن مراحل زیر پیشنهاد می‌شود:

گام نخست: توجه به شأن و منزلت قرآن

قرآن کتابی است که هم نیاز می‌آفریند و سؤال به وجود می‌آورد و آنگاه جواب می‌دهد و هم سؤال مخاطب خود را می‌شناسد، تصحیح می‌کند و به آن جواب می‌دهد. گاه قرآن خوانده می‌شود تا نیازها شناخته شود و فرد سرشار از نورانیت گردد و گاه فرد با سؤالاتی نزد خداوند حاضر می‌شود تا بشنود آنچه خداوند در رابطه با آن می‌گوید.

گام دوم: چگونگی رجوع به قرآن

دو شیوه کلی را می‌توان در قرآن، در وحی‌ای که به انبیا می‌شده، مشاهده کرد؛ نمونه اول، وقتی که پیامبر ابتدا مورد خطاب قرار می‌گرفته و بدون هیچ سؤالی خطابی را دریافت می‌کرده است. به عنوان نمونه خداوند به حضرت ابراهیم^(ع) در سوره صافات این چنین وحی فرمود: *فَلَمَّا بَلَغَ بَلْعُ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ* (۱۰۲) *فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ* (۱۰۳) *وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ* (۱۰۴) *قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ* (۱۰۵) *إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ* (۱۰۶) *وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ* (۱۰۷) *وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ* (۱۰۸) *سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ* (۱۰۹) *كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ* (۱۱۰) *إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ* (۱۱۱) *وَ بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ* (۱۱۲)

نمونه دوم، وقتی پیامبر با سؤال با خداوند مواجه می‌شده است. به عنوان نمونه در آیه زیر در سوره مبارکه بقره حضرت ابراهیم^(ع) با سؤال و نیاز خدمت پروردگار خود ظاهر شد: *وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِن لِيُطَمِّنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ* (۲۶۰)

به همین جهت رجوع به قرآن هم به تبعیت از انبیاء الهی دو روش دارد؛ روش اول مطالعه سوره‌های قرآن و دریافت مفاهیم بیان شده در سوره‌هاست. دوم انتخاب سؤالی از مسائل انسان و عرضه آن به سوره‌های قرآن.

گام سوم: دریافتی از مفهوم هنر برای رجوع به قرآن

با توجه به اینکه وضعیتی که در این مطالعه پی می‌گیریم از

خاص بهره برده باشند (رک، مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱)، بعضی از محققان هنری را اسلامی می‌دانند که برگرفته از مفاهیم و استعارات مقدس اسلام باشد (برند، ۱۳۸۳، ۲۳)، عده‌ای هم هنر اسلامی را هنری می‌دانند که انتقال‌دهنده مضامین الهی و اسلامی باشد (رک، رهنورد، ۱۳۷۴). دکتر بلخاری نیز در کتاب قدر نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلام، هنر اسلامی را بررسی کرده و به مفهوم هندسه و درنهایت واژه قدر رسیده است (رک، بلخاری، ۱۳۹۴).

به‌رغم آنکه مفهوم اصطلاحی هنر بسان مفهوم علم امری بدیهی و شناخته شده برای همگان به نظر می‌رسد، اما نگرستن دقیق‌تر در مفهوم آن نشان می‌دهد که هنر از جمله مفاهیم ظریف و دقیقی است که ارائه تعریف و تصویری گویا از آن کاری دشوار است. تعاریف ذیل برخی از دیدگاه‌هایی است که پیرامون مفهوم هنر ارائه شده است:

هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت بخشی که حس تشخیص زیبایی ما را ارضا کند و این حس وقتی رضی می‌شود که ما نوعی وحدت یا هماهنگی حاصل از روابط صوری در مدرکات حس خود دریافت کرده باشیم. (رید، ۱۴۰۲، ۲).

هنر تجلی احساسات نیرومندی است که انسان آنها را تجربه کرده است، این تجلی ظاهری به وسیله خط‌ها، رنگ‌ها، حرکات و اشارات، اصوات و کلمات صورت می‌پذیرد (تولستوی، ۱۳۸۳، ۵).

کلمه هنر به معنای عام، نتیجه گرفتن از دانایی به وسیله توانایی و عمل است. (وزیری، ۱۳۶۳، ۶۳)

هنر وسیله‌ای است برای ثبت و ضبط احساس انسانی در قالب مشخص و نیز انتقال آن در خارج از عوامل ذهن و همچنین تفهیم آن احساس به دیگران است. (صبوراردوبادی، ۱۳۸۹، ۳۳)

هنر یک فعالیت انسانی و عبارت است از اینکه فردی آگاهانه و به یاری علائم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد، به طوری که این احساسات به ایشان سرایت کند و آنها این احساسات را تجربه کنند و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرند. (تولستوی، ۱۳۸۳، ۵۷)

هنر در تجربه انسانی، روش خاصی از بیان حقایق زندگی است، یعنی اگر زبان علمی یا عادی که ما آن را در زندگی روزمره خود به کار می‌گیریم، دارای این ویژگی است که بیان مستقیم حقایق می‌باشد، زبان هنر این ویژگی را دارا خواهد بود که بیان غیر مستقیم همین حقایق است، تفاوت این دو زبان آن است که زبان نخست بر نقل حقایق به صورت واقعی خود استوار است، درحالی که زبان هنر بر عنصر تخیل استوار است.

فیلسوفان هنر به‌طور معمول در آثار خود، به تعریف هنر و صنعت (تخنه) پرداخته و رابطه میان آن دو را بیان می‌نمایند. به‌طور مثال، صنعت در نزد افلاطون به همه مهارت‌هایی که ساخته

نوع دوم است یعنی سؤال محرک ورود ما به قرآن و رجوع ما به خداست، در این بخش مفهوم عرفی هنر درک خواهد شد. با توجه به تعاریفی که در عرف علمی هنر وجود دارد، می‌توان دریافتی مؤلفه‌ای از مفهوم هنر به دست آورد.

گام چهارم: رجوع به قرآن برای دریافت حقایق نسبت به مؤلفه‌ها و سایر سؤالات

با سؤالات خود و از آن مهم‌تر مؤلفه‌های به‌دست‌آمده برای معنای هنر، در محضر قرآن به یکی از شیوه‌های زیر حاضر می‌شویم:

۱. از ابتدا قرآن را مطالعه می‌کنیم و پاسخ‌هایی را در رابطه با سؤالات خود دریافت می‌کنیم. این پاسخ‌ها ممکن است کلی، جزئی، مصداقی، موردی و یا... باشد.
۲. واژگان مرتبط با سؤال را یافته و به دنبال آن واژه‌ها آیات و سوره‌هایی را به دست آورده و پاسخ را در لابه‌لای آنها جست‌وجو می‌کنیم.

در این پژوهش از هر دو روش استفاده شده است. ولی به دلیل نظام‌مندی بیشتر روش دوم، ابتدا از این روش آغاز می‌کنیم. در این صورت لازم است مؤلفه‌های به‌دست‌آمده برای هنر به کلماتی متناسب مرتبط شود. در این صورت به کتابی مانند کتاب قاموس یا مفردات یا التحقیق که همگی در صدد بیان معانی کلمات قرآن هستند رجوع کرده و ما به ازای مؤلفه‌هایی که از مفهوم علمی یا عرفی هنر است کلماتی را انتخاب می‌کنیم و از آن به بعد برای دریافت نظر خداوند در مورد هنر با این کلمات به قرآن رجوع می‌کنیم.

در این بررسی می‌توانیم مؤلفه‌هایی که قبلاً به دست آورده‌ایم را تفصیلی‌تر هم بنماییم. این اقدام به سبب مطالعه واژگان قرآنی برای ما حاصل می‌شود. این روش استقرانی است و ممکن است در طول پژوهش به کلمات جدیدی و حتی موضوعات تفصیلی‌تری نیز برخورد کنیم که موجب تکمیل مباحث می‌شود و در اصل پژوهش خللی وارد نمی‌سازد زیرا ارکان مفهوم در نظر گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

در زمینه تعریف هنر اسلامی یا قرآنی و نظریه‌پردازی در این زمینه فعالیت‌های پژوهشی و مطالعاتی محدودی اتفاق افتاده است. در بین این آن‌ها عده‌ای هنر اسلامی را هنر در خدمت حاکمان اسلامی تعریف می‌کنند (برند، ۱۳۸۳، ۱۰)، عده‌ای هنری را که توسط یک مسلمان تولید شود هنر اسلامی دانسته‌اند (Hoag, 1999, 7)، عده‌ای هنر برگرفته از نصوص دینی را هنر اسلامی می‌دانند (رک، کونل، ۱۳۶۸)، بعضی نظریه‌پردازان هنر مردم‌عرب‌زبان را هنر اسلامی می‌دانند (رک، وایه، ۱۳۶۳)، برخی پژوهشگران به بررسی فرم هنرهای اسلامی پرداخته و هنری را اسلامی می‌دانند که از یک سری تکنیک‌های خاص یا اشکال

مثلاً هنر با اخلاق تفاوت دارد، زیرا اخلاق در رابطه با عمل انسان است اما هنر در رابطه با تولید است، همچنین اخلاق شامل خود عمل می‌شود اما هنر شامل محصول و نتیجه عمل است. از این رو ذهن، عواطف، احساسات و اموری از این دست، چون بخشی از خود عمل است بنابراین در اخلاق اهمیت دارند، اما در هنر تنها این مهم است که خود اثر هنری خوب از آب درآید.»

ارسطو در تعریف زیبایی می‌گوید: «یک شیء زیبا یا یک مخلوق زنده یا هر ساختار دارای اجزائی، نه تنها باید ترتیب منظمی از اجزاء داشته باشد، بلکه باید اندازه‌ای داشته باشد که عارضی نباشد.» که با این تعریف پاره‌ای از پدیده‌های طبیعی هم زیبا هستند و زیبایی محدود به هنر نیست. آنچه در تعریف زیبایی می‌گوید: «هدف داوری زیبایی شناختی دقیقاً بیان همین حالات روحی است... می‌توان درباره زیبایی به معنای مشخص به‌طور عینی، داوری کرد. زیرا زیبایی یک امر مطلقاً ذهنی است، زیبایی یک شیء نیست بلکه فقط حالتی در درون ما است» (مهرگان، ۲۵، ۱۳۸۲) هیوم در تعریف زیبایی همانند آنچه معتقد است: «زیبایی کیفیتی در خود اشیاء نیست بلکه در ذهنی است که آن اشیاء را نظاره می‌کند» (همان) و یا کانت می‌گوید: «زیبا آن چنان چیزی است که بی‌مفهوم به تصور آید، مثل موقعی که انسان بدون کمک مفاهیم احساس شادی می‌کند، پس زیبا از سنخ همین حس کردن‌های بی‌واسطه و بدون کمک مفاهیم است اما مثل احکام منطقی دارای اصول و قواعد ایزکتیو نیست» (همان). همچنین والتر استیسی در تعریف زیبایی می‌گوید: «زیبایی، درخشش مطلق از خلال واسطه حسی است، مطلقاً که در این میان پرتو می‌افشاند. همان معنی است و واسطه ماده‌ای که مطلق از خلال آن می‌درخشد، کالبد مادی است» (استیسی، ۱۳۷۲، ۶۲۹).

یکی از نظریه‌های معروف در تعریف هنر، نظریه بازنمایی یا نظریه عینی است که در نزد پاره‌ای از فیلسوفان کهن، گاه با مفاهیمی همچون محاکات یا تقلید شناخته می‌شود. ارسطو لفظی را که به یونانی برای این منظور بکار برده است کلمه میمسیس است که بنا به نظر مترجمین آثار او، آقایان عبدالحسین زرین کوب در کتاب فن شعر و فتح‌الله مجتبائی در کتاب هنر شاعری، به معنای محاکات و تقلید است (کدکنی، ۱۳۵۸، ۳۰). قائلین به این نظریه معتقدند، زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می‌کند. در واقع هنرمند می‌کوشد تا در اثر هنری خویش به ترسیم و تصویر این واقعیت عینی پردازد (کروچه، ۱۳۹۶، ۸۹) و از واقعیت نسخه‌برداری کند و در برابر دید مخاطبان به نمایش بگذارد. بنا بر این نظریه رسالت هنرمند این است تا به بیان واقعیت پردازد، نه آنکه به ذهن، توهم، عاطفه و یا خیال خویش بسنده کند. یکی دیگر از نگرش‌های موجود درباره هنر، نظریه بیانگرایی یا

می‌شود و یا انجام می‌شود، همچون نجاری، سیاستمداری و یا آثار هنری اطلاق می‌گردد وی در رساله سوفیست صناعات را به اکتسابی و تولیدی تقسیم می‌کند و می‌گوید که صناعت تولید یا به تولید اشیاء واقعی می‌پردازد و یا به تولید صورت‌های محسوس یا خیالی. از نظر او همه هنرهای بصری، ادبی و یا هنرهای آمیخته با موسیقی، متعلق به طبقه‌ای عام‌ترند که به آن صناعت گفته می‌شود. بنابراین صنعت به آن حرفه و فنی گویند که به تولید و ساختن یک ابزار یا وسیله می‌پردازد و لزوماً در همه انواع آن جنبه زیبایی‌شناسی مورد توجه نیست، برخلاف انواع هنر که به آن دسته از خلاقیت‌های بشری گفته می‌شود که علاوه بر جنبه ابزارسازی و فایده‌مندی، جنبه زیبایی‌شناختی هم در آن مورد توجه است، به عنوان مثال ساختن یک خانه یا گنج‌بری سنتی در عین حال که به جهت فایده‌مندی و جنبه تولیدی مورد توجه‌اند ولی در عین حال از جنبه زیبایی‌شناسی هم ارزشمند هستند بنابراین هم تعریف صنعت و هم تعریف هنر درباره آنها صادق است.

بندیتوکروچه، فیلسوف برجسته معتقد است، اصطلاحاتی همچون شهود، دید، تماشا، تخیل، وهم، تصور اشکال، تجسم و امثال آنها الفاظی تقریباً مترادف هستند، که همیشه درباره هنر به کار می‌رود. و این مفاهیم که بیشتر جنبه ذوقی و زیبایی‌شناختی دارند، کاربرد ذوق، عاطفه و احساس را در آثار هنری آشکار می‌سازند.

هنرپژوهان معتقدند نخستین بار آلکساندر باومگارتن در سال ۱۷۵۰ کتابی را با نام (زیبایی‌شناسی / استتیک) بکار برد و به تدریج واژه زیبایی‌شناسی در قرن نوزدهم دلالتی وسیع‌تر یافت و نظریه هنرهای زیبا و علم زیبایی اطلاق گردید و در دوران اخیر هم زیبایی‌شناسی اغلب با فلسفه هنر برابر دانسته شده است.

پرسش از زیبایی از دیرباز میان فیلسوفان مطرح بوده و کوشش نموده‌اند تا به تعریف آن پرداخته و معنای آن را از معنای هنر تفکیک سازند به عنوان مثال، افلاطون در رساله مهمانی به توصیف زیبایی می‌پردازد و می‌گوید: «انسانی که عشق (اروس) به زیبایی در دلش راه یافته است، از زیبایی جسم به زیبایی روح و سپس به زیبایی نهادها و قوانین و خود علوم و بالاخره به عشق به خود زیبایی می‌رسد» و یا جان هاسپرس در تعریف زیبایی‌شناسی و تفاوت آن با هنر می‌گوید: «زیبایی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که از تحلیل مفاهیم و راه حل مسائل بحث می‌کند که از تأمل در خصوص موضوعات، ادراک زیبایی‌شناختی برمی‌خیزد، موضوعات ادراک زیبایی‌شناختی نیز شامل تمامی اشیایی است که موضوع تجربه زیباشناختی قرار می‌گیرد» همچنین والتر استیسی در بیان و توصیف هنر می‌گوید: «به جای آنکه دنبال کنیم هنر چیست، بهتر است ببینیم که هنر چه چیزی نیست، یعنی فرق آن را با دیگر امور مشخص کنیم و از این راه به تعریف و معنای هنر دست پیدا کنیم.

کمالی دارای زیبایی و لایق تحسین است و مورد خطاب هر تحسینی در واقع خالق آن صفت کمال است. عمل یا بروز هر مخلوقی در صورتی که بر مدار عبودیت خداوند باشد خود مخلوقی است که واجد حسن و کمال است (اخوت، ۱۴۰۰، ۳۲)

از آنجایی که انسان اختیار یافته است که در مسیر عبودیت قدم بردارد تنها در داشتن این توفیق به کمال دست یافته است. بدین ترتیب عمل انسان اگر در مسیر عبودیت باشد واجد کمال است و اگر در مسیر عبودیت نباشد فاقد کمال و حسن و زیبایی است. بر این اساس عبودیت خود کمالی قابل تحسین است و نیز

خودشان واگذارید)،^۶ و اعلام داشته که او هم در اسمانش جمیل است، و هم در افعالش، و هر جمیلی از او صادر می‌شود. پس روشن شد که خدای تعالی هم در برابر اسماء جمیلش محمود و سزاوار ستایش است، و هم در برابر افعال جمیلش، و نیز روشن شد که هیچ حمدی از هیچ حامدی در برابر هیچ امری محمود سر نمی‌زند مگر آنکه درحقیقت حمد خدا است، برای آنکه آن جمیلی که حمد و ستایش حامد متوجه آن است فعل خدا است، و او ایجادش کرده، پس جنس حمد و همه آن از آن خدا است. بر اساس منطق حمد و طبق آنچه از متن المیزان به دست می‌آید می‌توان گفت زیبایی در ذات آفرینش قرار دارد و ستایش زیبایی از سنت‌های جاری در هستی است. زیبایی تحسین شده، بر مبنای بروز صفات کمال ناشی از خلقت است نه امری عارضی که به عنوان جلوه یا زینت است.

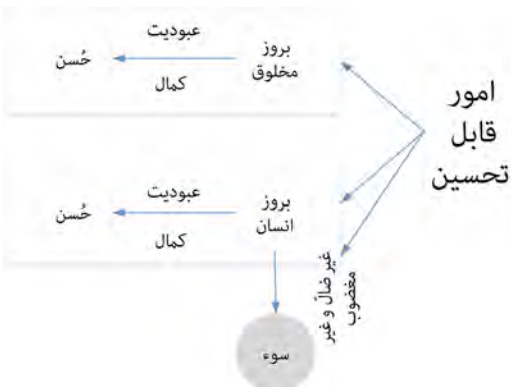
صفات کمالی که به زیبایی و حسن مفتخر هستند و مورد تحسین هستند تنها به خدا نسبت داده می‌شوند. هر صفت



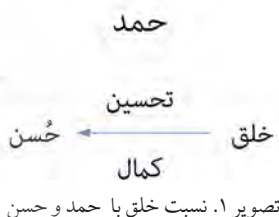
تصویر ۳. نسبت حمد و انسان.

کمال = بهره از علم و قدرت = دانایی و توانایی
حسن = سازگاری بین اجزا متناسب با غایت و نهایت = عدل و اعتدال
بروز حسن = دستیابی به کمال بالاتر = بروز دانایی و توانایی = سازگاری بیشتر برای دستیابی به غایت و نهایت
زیبایی = ادراک حسن
حمد = تحسین حسن به واسطه ادراک آن = تحسین زیبایی

تصویر ۴. شبکه مفاهیم حمد.



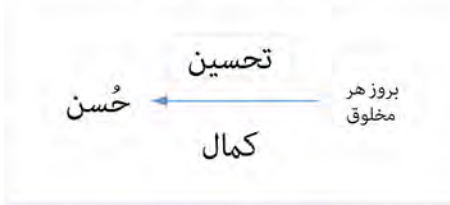
تصویر ۵. امور قابل تحسین.



تصویر ۱. نسبت خلق با حمد و حسن



حمد مخصوص الله



تصویر ۲. تخصیص حمد.

حمد برای او می‌آورد صفاتی است که همگی در جلوه بخشی کمال و غایت دهی آن نقش اساسی دارند. بدین ترتیب می‌توان همه این صفات را با مفهوم حمد و تحسین حُسن مرتبط دانست و در شبکه معنای حمد قرار داد.

بر اساس مطالب فوق می‌توان گفت انسان در اثر عبودیت در معرض حمد خداوند قرار می‌گیرد و به‌طور طبیعی به بروز تحسین کمال و حسن می‌پردازد.

در نتیجه مفهوم حمد که عبارت است از «بروز حسن به‌نحو تحسین برانگیز» با مفهوم هنر سازگاری پیدا می‌کند. مفهوم حمد واجد مفهوم زیبایی و هم‌القا و هم‌برانگیختن و هم ارتقادهندگی

انسان به‌واسطه عبودیت است که می‌تواند مفهوم حمد را شهودی درک کند و بفهمد.

ارتباط بین کلمات شبکه حمد را می‌توان در کشف معانی آنها به دست آورد (اخوت، ۱۴۰۰، ۳۵).

بر اساس مطالب فوق موضوع زیبایی و حسن و کمال وضعی حقیقی دارند و مجاز و استعاره و مفاهیم تصنعی و قراردادی نیستند. در این صورت انسان تنها با علم و معنویت می‌تواند به درک و فهم آن برسد. همچنین می‌توان امور قابل تحسین را منحصر به مواردی دانست که بروزدهنده عبودیت خداوند و دستیابی به کمال و حسن و زیبای حقیقی هستند.

بدین ترتیب لازم است انسان به این مسئله توجه داشته باشد که چه چیزهایی را تحسین می‌کند. آیا آن امور حقیقی اند یا کاذب و غیر حقیقی اند. زیرا به فرمایش امیرالمؤمنین (ع) «قیمت هرکسی به آن چیزهایی است که آنها را نیکو می‌شمارد و تحسین آنها را می‌کند»^۷ در سوره مبارکه حمد صفاتی که برای الله به عنوان انحصار



تصویر ۷. حمد در سوره مبارکه حمد.

تصویر ۶. رتبه‌بندی امور قابل تحسین.



تصویر ۸. فرایند تحسین حسن.

است. علاوه بر این شخصیت‌های شاخص حامد و موضوعاتی که متعلق ستایش می‌شوند را در بر می‌گیرد.

ارتباط هنر و حمد از آن جهت حائز اهمیت است که خداوند توجه به زیبایی را به غیر از قرار گرفتن در ساحت حمد خود مورد تأیید قرار نداده است. بدین ترتیب اگر کسی بخواهد به صورت خاص در مورد زیبایی و زیباآفرینی سخنی به میان آورد باید آن را با عبودیت صرف خداوند گره بزند در غیر این صورت به گمراهی کشیده می‌شود و منجر به بروز ضلالت می‌شود نه هدایت و این از منظر خداوند فاقد هرگونه زیبایی است. فلذا نزدیک‌ترین کلمه به هنر در قرآن را می‌توان کلمه حمد معرفی کرد و با اتکا به تعریف حمد برای هنر تعریفی خداپسندانه ارائه داد. با الهام از تعریف حمد می‌توان هنر را این‌گونه تعریف کرد که هنر عبارت است از بروز حسن و کمالی که موجب جلب توجه و نظر مخاطب شده، در او ایجاد ذوق تحسین می‌نماید و در اثر آن وی را به کمالی رهنمون ساخته، او را به غایتی از جنس عبودیت و هدایت و دریافت نعمت سوق می‌دهد. این تعریف برگرفته از مفهوم حمد است زیرا ستایش زیبایی تنها در صورت ارتباط با حمد مورد قبول خداوند است. با توجه به این تعریف اگر هنر خلق کمال باشد این وصف تنها متعلق به خداوند است و تنها او شایسته چنین وصفی است و دیگران در این زمینه واسطه نمایان کردن کمال خلق شده توسط خداوند هستند. لذا از این منظر هنرمند در نقش حامد است یعنی کسی است که بروز زیبایی را درک کرده و خود و دیگران را در معرض تحسین آن قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی صورت گرفته از مفهوم هنر در سوره مبارکه حمد، مفهوم هنر و هنرمند با حمد و حامد مرتبط هستند و غیر آن را نمی‌توان هنر و هنرمند قرآنی معرفی کرد. بر این اساس آنچه در رابطه با حمد در سوره حمد بیان شد را برای هنر تعمیم داده و سیر و غایت آن را همان چیزی معرفی کرد که در این سوره بیان شده است. البته چنین سیری مربوط به همه مقاصد انسان در طول حیات و در ادامه بعد از مرگ اوست. در این صورت می‌توان پذیرفت هنری که انسان را به عبودیت و هدایت سوق ندهد اساساً هنر مورد قبول خداوند نبوده و حد تعریف از هنر را در همین محدوده پذیرفت. بر اساس این نگاه مفهوم بندگی بالاترین هنری است که انسان از خود ابراز می‌کند. از این رو بررسی مفهوم هنری در سوره مبارکه حمد چنین تعریفی ارائه می‌دهد؛ هنر موضوعی از جنس کمال و حسن دارد که آن را بروز می‌دهد و سبب رویارویی هوشیارانه

دیگران با آن زیبایی می‌شود. این رویارویی و مواجهه فهم و علمی در مخاطب ایجاد می‌کند و او را به ابراز و القای تحسین نسبت به اثر هنری وامی‌دارد. در نتیجه این فرایند، مخاطب از اثر هنری تأثیر پذیرفته و مسیری به سوی کمال و زیبایی برای خود برمی‌گزیند و عملی از خود بروز می‌دهد.

پی‌نوشت

۱. سوره غافر آیه ۶۲.
۲. سوره سجده آیه ۷.
۳. سوره زمر آیه ۴.
۴. سوره طه آیه ۱۱۱.
۵. سوره طه آیه ۸.
۶. سوره اعراف آیه ۱۸۰.
۷. حکمت ۸۱: وَقَالَ (عليه السلام): قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ [قال الرضی [رحمه الله تعالى] و [هذه] هي الكلمة التي لا تصاب لها قيمة ولا توزن بها حكمة ولا تقرن إليها كلمة].

فهرست منابع

- اخوت، احمدرضا، (۱۳۹۴)، *حمد بروز حسن*، چاپ اول، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم السلام
- اخوت، احمدرضا (۱۴۰۰)، *سند تولید و ارائه اثر هنری*، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت علیهم السلام.
- استیس، والترنس (۱۴۰۱)، *فلسفه هگل*، ترجمه: حمید عنایت، تهران: نگاه برند، باربارا، (۱۳۸۳)، *هنر اسلامی*، ترجمه: مهناز شایسته‌فرو، تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۴)، *قدر نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی*، تهران، سوره مهر
- تولستوی، لئو، (۱۳۸۳)، *هنر چیست*، ترجمه کاوه دهگان، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر
- رهنورد، زهرا، (۱۳۷۴)، *حکمت هنر اسلامی*، تهران، انتشارات سمت.
- رید، هربرت (۱۴۰۲)، *معنی هنر*، ترجمه: نجف دریابندری، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، آگاه.
- صبوراردوبادی، احمد (۱۳۸۹)، *اصالت در هنر و علل انحراف احساس هنرمند*، چاپ پنجم، تهران، بهمن برنا
- کونل، ارنست (۱۳۵۵)، *هنر اسلامی*، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
- مهرگان، آروین (۱۳۸۲)، *نیچه و معرفت‌شناسی*، تهران، طرح نو
- مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۱)، *هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید*، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
- وایه، گاستون (۱۳۶۳)، *هنر اسلامی در سده‌های نخستین*، ترجمه: رحمان ساوجی، چاپ اول، چاپ مسطح چاپخانه گیلان.
- وزیری، علینقی (۱۳۶۳)، *زیبایی‌شناسی در هنر و طبیعت*، تهران، هنرمند.
- I. Hoag, JohnD, Islamic architecture, acadedmy editions, faber and faber/ elacta publishers, London 1979.



دوفصلنامه رهپویه حکمت هنر با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می‌باشد و از این‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooeye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Definition of Art based on Surah Mubarakah Al-Hamd

Mohammadjafar Mostashreq¹, Ahmadreza Okhovat²

Type of article: original research

Receive Date: 11 - 5 - 2024, Accept Date: 5 - 8 - 2024

DOI: 10.22034/RPH.2024.2026492.1062

Extended abstract

Art has always been one of the main pillars of human civilization and has played various roles in different societies. From a means of expressing personal emotions and experiences to a tool for conveying cultural, social, and religious concepts, art has captured human attention throughout history. In Islamic culture, art holds a special place that is worthy of consideration not only from an aesthetic perspective but also from a spiritual one. In this context, Islamic art has unique characteristics in connection with religious and Quranic concepts, especially Surah Al-Fatiha (the Opening). This research aims to examine the notion of art in Surah Al-Fatiha and provide a framework for Islamic religious art. Surah Al-Fatiha is one of the key surahs of the Quran, recited in every Muslim prayer. This surah begins with praising and glorifying God and refers to concepts such as Lordship, mercy, justice, and guidance. Therefore, analyzing this surah can lead us to a deeper understanding of the role of art in Islam and its importance as a tool for elucidating spiritual truths and educating human beings.

While this surah expresses profound philosophical and divine concepts, it is also accompanied by linguistic and literary beauty, and it can be seen as an example of art serving the spiritual and moral guidance of humanity. When discussing the Quran, it is crucial to have a precise understanding of the intended concept. This article analyzes existing propositions and scientific definitions to clarify the conventional concept of art and its meaning. We will also identify the main components of the notion of art from the perspective of experts and the artistic community. In various cultures, art has always been regarded as a tool for displaying and expressing human emotions, experiences, and beliefs. In Western philosophy, from classical times to the present, art has been discussed as a means of imitating nature or creating an independent truth. Plato viewed art as an imperfect reflection of

1. Assistant Professor, Department of Television, Faculty of Radio and Television Production, IRIB University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: mostashreq@iribu.ac.ir

2. MA Plant Biology, Faculty of Biology, Science Campus, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: okhovatnoor@yahoo.com

absolute truth, believing art cannot attain complete truth. He considered art a form of imitation of reality that may distance humans from understanding the truth.

On the other hand, Aristotle perceived art as a means to purify the human soul through empathy with the emotions of others. He believed that art could aid in cleansing negative feelings and emotions through the experience of catharsis. These views have been examined by thinkers and artists in later periods, contributing to the development of Western art. The main components of the concept of art from the perspective of experts and the artistic community include beauty, evocation, awareness-raising, movement and transformation, and key art themes, among others. However, in Islam, art is regarded not only as a means of expressing human emotions but also as a tool for conveying divine messages and manifesting spiritual truth. In this framework, Islamic art seeks to represent the absolute divine truth revealed in the Holy Quran. The Quran is valuable not only as the word of God from a content perspective but also as an artistic masterpiece from an aesthetic perspective.

The combination of linguistic beauty and profound spiritual concepts in the Quran, especially in Surah Al-Fatiha, demonstrates the significance of art in serving divine purposes. For the beauty of the word “praise,” it has been chosen. To understand and define the main component, namely “praise,” we refer to Surah Al-Fatiha, and based on this surah, we interpret art and its components. Surah Al-Fatiha begins with praising God: “Alhamdulillah Rabb al-’Alamin” (Praise be to God, the Lord of the Worlds). This sentence indicates that God is not only the world’s Creator, but also the overseer and manager of all beings. This divine governance and Lordship is exercised through His guidance and mercy upon humans and other beings.

In this context, Islamic art must also guide and direct humans and act as a means for drawing closer to God. This research also explores the role of Islamic artists in elucidating spiritual concepts. From the Islamic perspective, an artist creates artwork through a deep understanding of divine truth inspired by Quranic meanings. They act as intermediaries between God and humanity, striving to convey divine messages to the audience through art. Such an artist utilizes various artistic tools, including painting, calligraphy, architecture, and music, and endeavors to guide humans toward spiritual perfection and closeness to God. Therefore, art in Islam is not merely a means of expressing personal emotions. It is a tool for educating and guiding humanity toward truth. In another section of this research, the relationship between art and spiritual education in Islam is examined. Islamic art, grounded in Quranic concepts, can play an effective role in educating individuals. Art serves not only as a source of enjoyment and appreciation of beauty but also as a means for reflection on divine concepts. Especially in Islamic societies, art has always played a central role in

expressing spiritual and mystical concepts. Geometric and abstract motifs in Islamic architecture and decoration symbolize divine order and harmony, ultimately leading humans to closer communion with God and a better understanding of the world and its Creator. The findings of this research indicate that Surah Al-Fatiha, as one of the key surahs of the Quran, can serve as a suitable basis for defining Islamic religious art. Concepts such as Lordship, guidance, mercy, and justice, frequently mentioned in this surah, provide a comprehensive framework for Islamic art. In this view, Islamic art should be simultaneously aesthetically pleasing and capable of conveying deep spiritual and ethical concepts to the audience. Unlike many other arts that may only emphasize apparent beauty, Islamic art seeks to express divine truths and educate humanity. This art can play a fundamental role in the spiritual guidance of humanity toward perfection and closeness to God.

Therefore, art is defined as the manifestation of beauty and perfection that attracts the audience's attention, evokes their admiration, and guides them toward a purpose related to servitude, guidance, and receiving divine grace. This definition is derived from the concept of praise, as the appreciation of beauty is only accepted regarding the praise of God. According to this definition, if art is the creation of perfection, this attribute solely belongs to God, and only He is worthy of such a description. Others are intermediaries in revealing the perfection created by God. Thus, from this perspective, the artist assumes the role of a praiser, meaning one who recognizes the manifestation of beauty and places themselves and others in a position to admire it.

Keywords: Islamic Art, Quranic Art, Hamd, Hosn



This journal is following of Committee on Publication Ethics (COPE) and complies with the highest ethical standards in accordance with ethical laws



COPYRIGHTS | Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the *Rahpooye Hekmat-e Honar* Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Licenses. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)